



امام حسن عسکری علیه السلام حافظ تمامیت دین اسلام

امام حسن عسکری(ع) با وجود همه فشارها و کنترل‌ها و مراقبت‌های بی‌وقفه حکومت عباسی، رابطه خود را با شیعیان و نقاط شیعه، با روش‌ها و تدابیر مختلف از جمله توسعه و نهادینه کردن ...

امام حسن عسکری(ع) با وجود همه فشارها و کنترل‌ها و مراقبت‌های بی‌وقفه حکومت عباسی، رابطه خود را با شیعیان و نقاط شیعه، با روش‌ها و تدابیر مختلف از جمله توسعه و نهادینه کردن شبکه‌های نمایندگی، استفاده از ابزارهای مختلف برای ارسال پیام و پیک پنهان، تأسیس نمایندگی در مراکز مختلف و ارتباط از طریق نمایندگانی از مردم برقرار کرد.

امام حسن عسکری(ع) یازدهمین امام شیعه اثنی عشری و سیزدهمین معصوم - علیه السلام - فرزند امام هادی - علیه السلام - و پدر بزرگوار امام مهدی صاحب الزمان (عج) می‌باشد؛ نام مادر بزرگوار «حدیث» بود.

به گزارش ایسنا، بنابر مشهور ولادت حضرت ربیع الثانی سال ۲۳۲ هـ. ق در مدینه روی داده است.

دوران کودکی امام - علیه السلام - در خاندان وحی، خاستگاه امامت، سرچشمه هدایت، سپری شد و ایشان در چنین خانواده‌ای پرورش یافته و از هر آلودگی و پلیدی به دور بوده است. از تفضلات الهی این بود که امام حسن - علیه السلام - در خانه نبوت و معدن امامت با بهترین و شایسته‌ترین شیوه پرورش یافت و از اولین ساعات تولد، در مسیری قرار گرفت که رهبری آینده امت به او واگذار شود.

آن حضرت در کودکی به اجبار همراه پدر از مدینه به سامرا منتقل و با ظلم و بیدادگری طاغوتیان آشنا شد و در سامرا در منطقه‌ای به نام (عسکر) سکونت یافت؛ از این رو به (عسکری) معروف بود و سن آن حضرت را در هنگام انتقال به سامرا چهار سال و چند ماه گفته‌اند.

بی‌گمان حفظ اصل دین اسلام برعهده امامت است؛ اگر امامت نبود از دین و از کتاب خدا چیزی نمی‌ماند؛ حکمت اینکه خداوند برای پیامبرش مزد و پاداش رسالت اطاعت و دوستداری اهل بیت(ع) که همان امامت است را تعیین کرد در تأمل به این مسئله روشن می‌شود.

هیچ یک از افرادی که به خلیفه مسلمین شهرت دارند، جز امیرمومنان(ع) نتوانستند در حفظ و پاسداری از دین نقشی که مد نظر قرآن است را ایفا کنند. از طرفی آنچه قرآن به مردم دستور می‌دهد یعنی «اطیعواالله و اطیعواالرسول و اولی الامر» اولوالامری است که مانند پیامبر (ص) باشند و ویژگی‌های حضرت را داشته باشند. عصمت یکی از ویژگی‌هاست؛ اوصافی که برای حاکمان اموی و عباسی و دیگران نوشته شده در تاریخ موجود است، این اوصاف نشان می‌دهد جانشینان واقعی پیامبر و پاسداران دین اینان نیستند؛ قرآن و پیامبر شراب را حرام کرده و سفاکی در شان نبوت نیست؛ بیشتر این حاکمان عباسی شراب خوار بودند و عمری در مستی و سرگرم بازی با معشوقه‌ها بودند و خون فرزندان و منسوبین پیامبر(ص) را مباح می‌دانستند؛ با این اوصاف تاریخ هم راه درست اسلام را به ما نمایان می‌کند و هم پاسداران دین را نمایان می‌کند که راه اهل بیت(ع) راه واقعی و حافظان دین اهل بیت و امامان معصوم (ع) هستند.

کدام خلیفه عباسی می‌توانست از ساحت قرآن دفاع کند؟ چنانکه مأمون در مانده شد و به دامن امام رضا (ع) چنگ زد؛ در زمان امام علی(ع) سه خلیفه قادر نبودند شبهات علمی را جواب دهند و به سایه علی پناه می‌بردند و فریاد "لولا علی" سر می‌دادند. دوران خلافت عباسیان نیز اینگونه بود، فیلسوفی در رد قرآن کتابی نوشت که با یک جمله امام حسن عسکری(ع) از نوشته خود پشیمان شد و آن را به آتش سوزاند.

امام حسن - علیه السلام - در شهر سامرا که محل استقرار نیروهای نظامی و لشکرگاه و پادگان نظامی سلاطین عباسی بود در حصر زندگی می‌کرد. خود این نوع زندگی که برائمه از طرف عباسیان تحمیل شد دلیل حقانیت ائمه بر حکومت و ولایت است! چرا عباسیان دیگران را تحت نظر نداشتند؟ چون براساس روایات نبوی که در منابع اهل سنت نیز به وفور موجود است، حضرت جانشینان بعد از خود را به اسم و لقب معرفی کرده بود، به همین جهت عباسیان به دنبال دزدی القاب اهل بیت(ع) بودند تا با این روایات، خود را تطبیق دهند و مردم را به اشتباه بیاندازند؛ لذا لقب مهدی، هادی، امین و... که القاب ائمه است، اینها نیز به این القاب معروفند.

در زمان امام حسن عسکری، قلمرو کشور اسلامی از آفریقا تا مرزهای اروپا از مشرق و غرب به نهایت درجه وسعت خود رسیده بود و تردد تمام مردم در این قلمرو آزاد بود. جهان اسلام با جهان مسیحیت و سایر پیروان ادیان رابطه نزدیک داشت و تعامل علمی و تمدنی و سیاسی با وجود مخاصمات برقرار بود. یکی از پیامدهای تبادل فرهنگی جهان اسلام با مسیحیت این بود که شبهات الحادی وارد شده به دین مسیحیت، به عقاید اسلامی نیز رسوخ کند.

امام حسن عسکری - علیه السلام - در مدت امامت شش ساله، در مقابل افکار خارجی و شبهات آنها و سخت‌گیری عباسیان که پیروان اهل بیت(ع) را از هر جهت در فشار قرار داده بودند تلاش‌های علمی و سیاسی فراوانی را در راستای حفظ دین انجام داد.

تلاش های امام حسن عسکری برای پاسداری از دین

وقتی امام در حبس بود ابن اوتاش که سابقه عداوت و دشمنی با اهل بیت(ع) را داشت زندان بان حضرت بود. به او دستور دادند تا می توانی بر او سخت بگیر اما او تنها یک روز با امام ماند، امام او را چنان متحول کرد که او در برابر امام به خاک افتاد و از راهش برگشت و دارای بصیرتی کامل نسبت به شناخت امام شد.

ابوهاشم جعفری از محضر آن امام همام نقل می کند، روزی مردی تنومند و قوی هیکل از یمن اجازه ورود به محضر امام را خواست. پس از ورود بر امام سلام ولایت کرد، حضرت جواب او را با قبول ولایت پاسخ داد. در دلم گفتم ای کاش می دانستم این مرد کیست. حضرت از ضمیر من آگاه شد و فرمود این مرد از نژاد زن اعرابی است که دیگی آورده که پدران من مهر امامت بر آن زده اند تا من نیز مهرم را بزنم. حضرت مهرش را درآورد و بر آن زد. نقش مهر «محمدبن علی» بود که بر دیگ افتاد، آن مرد یمنی با این کرامت به امامت همه ائمه علیهم السلام اقرار کرد.

زمانی که در زندان بودم از سنگینی غل و زنجیر بسیار رنجور به حضرت شکایت کردم (از طریق نامه) در پاسخم نوشت امروز نماز ظهر را در منزلت می خوانی و از زندان خلاص می شوی. به همان ترتیب واقع شد و ظهر را در منزل نماز خواندم. وقتی یادی از تنگی معاش از خاطرم گذشت و خواستم در نامه ای برای حضرت بنویسم، شرمم آمد، برگشتم به منزل نامه ای به من نوشت و فرمود از درخواست حوائج خجالت نکش، ان شاء الله بر آورده می شود.

برخی از شیعیان درباره فضایل حضرت سخن می گفتند. مردی ناصبی با تردید و انکار گفت من بدون این که با مرکب بنویسم از او سوال خواهم کرد. ناصبی چنین کرد. نامه ها را فرستادیم، حضرت پاسخ های سوالات ما و ناصبی را با ذکر نام او و پدرش برای او فرستاد. ناصبی چون آن را خواند از هوش رفت و چون به هوش آمد، امام را تصدیق کرد و هدایت شد. این رویدادها ضمن اینکه پیروان اهل بیت را زیاد می کرد از انسجام و پایداری عقاید آنان نیز پاسداری می نمود.

توسعه و نهادینه کردن شبکه های نمایندگی

این کار از زمان ائمه قبل، از جمله امام کاظم (ع) آغاز شد. امام هادی مراحل پیش برد و درنهایت امام حسن عسکری تمام کرد و برای شیعه و دوران غیبت میراث بی مانند برجای گذاشت. شیوه مدیریت و ارتباط و اداره جامعه و حفظ پیروان مکتب و روحیه آنان و انسجام و به روز کردن باورها در هر شرایط سخت در زمان امام حسن عسکری - علیه السلام - انجام گرفت.

استفاده از ابزار مختلف برای ارسال پیام و پیک پنهان

امروزه با گسترش شبکه های برقراری ارتباط مسئله ارتباط مشکلی جز کنترل سیستماتیک توسط متولیان شبکه وجود ندارد اما در زمان امام حسن عسکری (ع)، امام برای حفظ پیروان از لو رفتن در دستگاه مخوف عباسیان و نظامیان عباسی در گستره قلمرو وسیع، شگردهای بی مانندی داشت. با ارسال پیک و پیام های استتار شده در لابه لای ابزاری چون چوب و در لفاف دست فروشی با پیروان خود ارتباط برقرار و از این رهگذر مشکلات آنان را برطرف می کرد. در این زمینه به عنوان نمونه می توان از فعالیت های «ابو الادیان»، از نزدیک ترین یاران امام یاد کرد. او نامه ها و پیام های امام را به پیروان آن حضرت می رساند و متقابلاً نامه ها، سؤال ها، مشکلات، خمس، و دیگر وجوه ارسالی شیعیان را دریافت می کرد و در سامرا به محضر امام حسن عسکری می رساند. گذشته از پیک ها، امام از طریق مکاتبه نیز با شیعیان ارتباط برقرار می کرد و از این رهگذر آنان را زیر چتر هدایت خویش قرار می داد.

تأسیس نمایندگی در مراکز مختلف

امام حسن عسکری - علیه السلام - نوع دیگر ارتباط با شیعیان را از طریق فعالیت های مخفی نزدیکترین یاران خود برقرار می کرد و برای این منظور به افراد مورد اعتماد در نقاطی چون بغداد و مرکز مهم جمعیتی که آنها نیز به افرادی در مناطق و مراکز متصل بودند مرتبط می شد.

ارتباط از طریق نمایندگانی از مردم

تماس مستقیم با امام، با فرستادن افرادی از طرف شیعیان به محضر آن حضرت، نوع دیگری از ارتباط میان امام و دوستانش بود. از جعفر بن شریف جرجانی نقل شده است که گفت به زیارت خانه خدا مشرف شدم و بعد در سامرا به خدمت امام حسن عسکری رسیدم. خواستم اموالی را که دوستان به وسیله من فرستاده بودند به آن حضرت بدهم. پیش از آنکه بپرسم، به چه کسی بدهم امام فرمود: آنچه را همراه آورده ای به مبارک، خادم من بسپار.